

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب به سوال

بیان کلمه حق

به جواب مصطفی علی ابراهیم

(ترجمه)

سوال:

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته!

سوالی دارم و آن این که: در آیه مبارکه 90 سوره یونس چنین آمده: ﴿فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ﴾ اما در آیه مبارکه 78 سوره طه آمده است: ﴿فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ﴾. آیا امر و عمل حاکم یک چیز به حساب می آید؟ اگر چنین باشد، می توانیم بگوئیم که ایستادن در برابر امر حاکم مانند ایستادن در برابر اعمال آن است، یعنی وقتی ما کلمه حق را در برابر پولیس و نیروی ها و یا معاونین آن بیان کنیم، این به معنی گفتن کلمه حق در برابر خود حاکم است و در تحت مصداق این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم شامل می شویم: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ حَقٍّ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ» تشکر. البته شما حق تصرف و تعدیل را در ساختار و طرح سوال دارید، الله سبحانه وتعالی شما را جزای خیر دهد!

جواب:

وعلیکم السلام ورحمة الله و برکاته!

اول: نسبت به دو آیه مبارکه ای که در سوال شما وارد شده که عبارت اند از آیه مبارکه 90 سوره یونس: ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا﴾ و آیه مبارکه 78 سوره طه: ﴿فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ﴾، انگار که اشاره شما به فرق و تفاوت معنی مستفاد از استعمال حرف "واو" و حرف "باء" در لفظ (وجنوده) و لفظ (بجنوده) است که در آیه اول با حرف "واو" ذکر شده و در آیه دوم با حرف "باء" ذکر شده است و قسمی که در کتب تفسیر آمده، معنی اتبعهم یعنی به آن ها ملحق شد و دنبال کرد، اما حسب لغت از آیه اولی ﴿فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ﴾ فهمیده می شود که فرعون شامل کسانی بود که موسی علیه السلام و بنی اسرائیل را دنبال کرد؛ زیرا "واو" در لفظ (جنوده) در این جا دلالت بر مشارکت و اشتراک فرعون و لشکر آن در دنبال کردن بنی اسرائیل دارد.

اما آیه دوم ﴿فِرْعَوْنَ بِجُنُودِهِ﴾ حسب لغت امکان دارد که به معنی این باشد که فرعون با لشکر خود در دنبال کردن موسی علیه السلام و بنی اسرائیل شرکت داشته و لشکرش را همراهی کرده است و هم‌چنان حسب لغت ممکن است از آن طوری فهمیده شود که فرعون با لشکرش مشارکت نداشته و همراهی لشکرش بیرون نشده است، بلکه لشکرش را در دنبال کردن هم‌کار بود؛ زیرا "باء" معنی مصاحبت و استعانت را می‌دهد، پس کلمه (بجنوده) در این آیه مبارکه ممکن است که معنی مصاحبت را حمل کند که در این صورت فرعون با لشکرش همراه بوده و ممکن است که معنی استعانت را حمل نماید که در این صورت به معنی اینست که فرعون همراهی لشکرش هم‌کاری نموده ولی عملاً مشارکت نداشته است، یعنی لشکرش موسی علیه السلام و بنی اسرائیل را دنبال کرده بدون این که خودش در آن دخالت داشته باشد.

و تعیین یکی از دو معنی (مصاحبت و استعانت) از جمع نمودن بین این دو آیه مبارکه به گونه‌ی ذیل معلوم می‌شود: آیه اولی مدلول آن تنها از لحاظ لغت است و آن این که فرعون لعنة الله علیه با لشکرش در دنبال نمودن موسی علیه السلام مشارکت و مصاحبت داشت، اما آیه دوم مدلول آن احتمال لغت مصاحبت در دنبال کردن موسی علیه السلام و هم‌چنان احتمال معنی استعانت را دارد. یعنی این که فرعون لشکرش را استعانت کرده تا موسی علیه السلام را دنبال کنند، بدون این که خودش همراهی کرده باشد و به دلیل این که مدلول هر دو آیت متناقض نیست؛ پس معنی به جمع کردن بین دو آیه به این شکل صورت می‌گیرد که فرعون در دنبال کردن موسی علیه السلام با لشکرش بوده یعنی "باء" در کلمه (بجنوده) معنی مصاحبت را افاده می‌کند. یعنی این که در دنبال نمودن موسی علیه السلام لشکرش را مصاحبت کرده است این نسبت به معنی دو آیه است.

دوم: اما حدیث شریفی که در سوال شما ذکر شده است؛ ترمذی در سنن خود از ابوسعید خدری روایت نموده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ كَلِمَةً عَدَلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ»

ترجمه: از جمله بزرگ‌ترین جهاد، گفتن کلمه عدل در نزد پادشاه ظالم است.

ابوعیسی گفته است که این حدیث از این جهت حدیث حسن غریب است. در معجم الکبیر طبرانی از ابوامامه نقل شده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است:

«أَحَبُّ الْجِهَادِ إِلَى اللَّهِ كَلِمَةٌ حَقٌّ تُقَالُ لِإِمَامٍ جَائِرٍ»

ترجمه: بهترین جهاد در نزد الله سبحانه و تعالی کلمه حق است که به امام ظالم گفته می‌شود.

در روایت دیگری در نزد طبرانی از ابوامامه نقل شده است که مردی در در وقت زدن جمره گفت: یا رسول الله کدام جهاد افضل تر است؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ حَقٌّ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ»

ترجمه: بهترین جهاد کلمه حق در نزد سلطان ظالم است.

در کتاب عون المعبود در مورد شرح این حدیث چنین آمده است: «...از ابوسعید خدری روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ عَدْلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ أَوْ أَمِيرٍ جَائِرٍ»

ترجمه: بهترین جهاد بیان کلمه عدل در نزد سلطان ظالم و یا امیر ظالم است.

صاحب عون المعبود گفته است:

(افضل الجهاد) به معنی بهترین جهاد است، به دلیل روایت ترمذی که گفته است از جمله بزرگترین جهاد (کلمه عدل) است و در روایت دیگری از ابن ماجه کلمه حق نقل شده که مراد از این کلمه چیزی است که امر به معروف و یا نهی از منکر را افاده کند؛ توسط بیان باشد و یا توسط کتابت و یا مانند آن. (عند سلطان جائر) یعنی سلطان ظالم، بیان حق در نزد سلطان ظالم افضل الجهاد گفته شده. به این دلیل که شخص در برابر دشمن جهاد می کند متردد در بین خوف و رجاء است و نمی داند که پیروز می شود و یا شکست می خورد و صاحب قدرت در حقیقت نسبت به آن به خشم می شود، پس آن شخص وقتی حق را بیان می کند و سلطان ظالم را امر به معروف می کند جان خود را به خطر تلف شدن و در معرض از بین رفتن قرار می دهد. پس این به دلیل غلبه خوف افضل الجهاد می باشد، خطابی و غیره چنین گفته است. (او امیرجائر) که گفته شده، به نظر می رسد که راوی در خصوص این کلمه شک دارد.»

پس از این حدیث شریف فهمیده می شود که افضل الجهاد گفتن کلمه حق در نزد سلطان ظالم است، نه در نزد اتباع اش و منظور از سلطان ظالم امیر ظالم است، خواه رئیس جمهور باشد و یا پادشاه، نخست وزیر و یا والی. پس سلطان جائر که امر به معروف و نهی از منکر می شود، لازم است که صاحب صلاحیت و قدرت و یا امارت باشد تا این افضلیت در بیان حق در پیش روی آن مصداق پیدا کند.

اما این به معنی این نیست که بیان حق در پیش روی اتباع حاکم ظالم فضیلت ندارد، زیرا در بیان حق به صورت علنی همیشه خیر و فضیلت است، اما افضلیت خاصی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیثی که مورد

بحث ما است؛ افضلیتی است که متعلق به کسی است که خودش صاحب قدرت است؛ زیرا بیان کلمه حق در پیش روی صاحب قدرت اهمیت خاص دارد و به دلیل این که در بیان حق در نزد صاحب قدرت قبول خطر، جرئت و قوت است. چنانچه بعضی شارحین حدیث نیز چنین بیان کرده اند: «... خطابی گفته است: بیان حق در نزد سلطان جائز افضل الجهاد گفته شده؛ زیرا کسی که با دشمن جهاد می کند در بین رجاء و خوف متردد است و نمی داند که آیا پیروز می شود و یا شکست می خورد و صاحب قدرت در نزد آن به خشم می آید، پس وقتی او حق را بیان می کند و آن را امر به معروف می کند در حقیقت خود را در معرض خطر قرار داده و جان خود را به هلاکت می اندازد. لذا به خاطر غلبه خوف، افضل الجهاد خوانده شده است. المظهر گفته است: بیان حق در نزد سلطان جائز افضل است؛ زیرا ظلم سلطان بالای تمام کسانی که در تحت سیاست آن قرار دارند سرایت می کند که یک جمعیت کلان است، پس وقتی آن را از ظلم نهی می کند نفع و منفعت را به خلق زیادی می رساند، به خلاف قتل کافر که از چنین ویژگی بر خوردار نیست.»

پس تمام صحبت از خود صاحب قدرت ظالم است نه از اتباع، اعوان و لشکرش.

برادر شما عطاء ابن خلیل ابوالرشته

17 رجب 1445 ه.ق.

29 جنوری 2024 م.

مترجم: مصطفی اسلام